

پوپولیسیم ایرانی

تحلیل کیفیت حکمرانی محمود احمدی نژاد از منظر اقتصاد و ارتباطات سیاسی

پوپولیسم ایرانی

تحلیل کیفیت حکمرانی محمود احمدی نژاد از منظر اقتصاد و ارتباطات سیاسی

علی سرزعی



نشرکردن

مقدمه

از دیدگاه من - که نزدیک به دو دهه است در حوزه اقتصاد سیاسی ایران می‌اندیشم و قلم می‌زنم - اکنون جمهوری اسلامی را می‌توان به دو دوره پیش و پس از احمدی‌نژاد متمایز کرد. در این دو دوره ما با دو ساختار سیاسی و اجتماعی متمایز روبه‌رو هستیم. به گمان من می‌توان ادعا کرد که در دوره پس از احمدی‌نژاد جمهوری اسلامی وارد برخی فرایندهای بی‌بازگشت شد، فرایندهایی که توقف یا معکوس کردن آنها به معجزه می‌ماند و نیازمند شرایط ویژه‌ای است که در آن نظام سیاسی و قاطبه گروه‌ها و نهادهای مرجع مدنی بتوانند در یک همکاری گسترده و صمیمانه روند موجود را متوقف یا معکوس کنند. بر این باورم که نه جنگ و نه انتخابات خرداد ۱۳۷۶، که دگرگونی عظیمی در فرایندهای سیاسی ایران محسوب می‌شد، نتوانستند ساختار بنیادین و محتوای جمهوری اسلامی را کاملاً دگرگون کنند و بلکه آن را تقویت کردند. به دیگر سخن، اگر تأسیس و شکل‌دهی به ساختار جمهوری اسلامی را محصول حضور شخصیت برجسته بنیان‌گذار جمهوری اسلامی بدانیم، محتوای (فرایندها و سازوکارهای) جمهوری اسلامی پیش و پس از سال ۱۳۸۴ را می‌توان به دو چهره برجسته سیاسی کشور، یعنی هاشمی و احمدی‌نژاد، اسناد داد. در واقع پس از جنگ ما با دو جمهوری اسلامی روبه‌رو هستیم: «جمهوری اسلامی هاشمی» و «جمهوری اسلامی احمدی‌نژاد». به گمان من برآمدن دولت روحانی و حتی تداوم حضور اعتدال‌گرایان یا اصلاح‌طلبان در دولت‌های بعدی هم دیگر نمی‌تواند محتوای «جمهوری اسلامی احمدی‌نژاد» را کاملاً دگرگون کند. در دوره دوم جمهوری اسلامی، رویه‌ها، فرایندها، الگوهای رفتاری و حتی در مواردی ساختارها و نهادهایی شکل گرفت که فقط با یک جراحی بزرگ درون‌سیستمی و دگرگونی‌های بنیادین قابل توقف یا تحول است. به عبارت دیگر، در دوره اول جمهوری همه تحولات و اکثر بازیگران، حتی بازیگران ارشد، خود را بر اساس نقش هاشمی در ساختار نظام سیاسی تنظیم و بازچینی کردند و در دوره دوم تحولات، فرایندها و حتی بازیگران حاضر در نظام سیاسی بر پایه نقش و شیوه‌های رفتاری احمدی‌نژاد بازچینی و بازآفرینی شدند. به بیان نمادین، انقلاب اسلامی یک انقلاب تراژیک بود که از عشق به آینده‌ای دلپذیر سرچشمه می‌گرفت، اما برآمدن احمدی‌نژاد بازآفرینی کُهی یک انقلاب بود که بر پایه نفرت از گذشته‌ای نادلپذیر بنا می‌شد.

بنابراین ساختار و محتوایی که اکنون در جمهوری اسلامی در برابر چشمان ماست محصول دو انقلاب است: «انقلابی تراژیک» به رهبری بنیانگذار فقید جمهوری اسلامی و «انقلابی کُمیک» به کارگزاری محمود احمدی نژاد. همان گونه که انقلاب اسلامی، به علت عدم همنوایی ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، پایانی بود بر باثبات ترین و پررونق ترین دوره اقتصاد ایران در تمامی سال های پس از مشروطیت یا حتی دوران پس از صفویه، انقلاب محمودی نیز، به علت شکاف های اقتصادی و اجتماعی پدیدآمده در دو دهه پیش از آن، پایانی بود بر یک دوره طلایی بازگشت به عقلانیت و انباشت گسترده سرمایه و منابع در تمامی حوزه های اقتصادی، اجتماعی و انسانی در عصر جمهوری اسلامی.

اگر در هم ریزی ساختارها، ناشی از تکان های انقلاب اسلامی، باعث شده است که هنوز که ۳۸ سال از پیروزی انقلاب اسلامی می گذرد ما نتوانیم به سطح برخی از شاخص های پیش از انقلاب بازگردیم و مثلاً درآمد سرانه واقعی ما در سال ۱۳۹۴ کمتر از شصت درصد همین شاخص در سال ۱۳۵۵ باشد، اکنون نیز باید چند دهه بگذرد تا ما به شاخص های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیش از دوران احمدی نژاد بازگردیم. البته با این فرض که در این میان حادثه ای پیش بینی نشده کل بازی اجتماعی و سیاسی ما را در هم نریزد. اگر جمهوری اسلامی نتواند از بحران هایی که پیش رو دارد به سلامت عبور کند من آن را محصول خطایی می دانم که نظام سیاسی ایران با برکشیدن احمدی نژاد مرتکب شد. اگرچه مسئولیت برآمدن احمدی نژاد و نظام فکری او را نمی توان به یک فرد و حتی به یک جناح سیاسی نسبت داد، چرا که همه ذی نفعان، شامل نظام سیاسی و بخش های بزرگی از جامعه و گروه های مرجع اجتماعی، همت کردند و دست به دست هم دادند تا عصر احمدی نژاد آغاز شود، اما بی گمان برخی از آنان مسئولیت سنگین تری بر دوش دارند.

برخی از اقتصاددانان معتقدند که حکایت توسعه حکایت تصادفی تاریخی است، تصادفی که در آن شرایط بیرونی و محیطی آماده است و آن گاه یک حکومت توسعه خواه با یک ملت توسعه خواه دست به دست هم می دهند تا جامعه و اقتصاد را بر روی ریل توسعه قرار دهند. به گمان من، بزرگ ترین شانس تاریخی ما برای قرار گرفتن بر روی ریل توسعه، در تمام دوران پس از مشروطیت، همین دوره طلایی تکرارنشده بود که در عصر احمدی نژاد از دست رفت؛ و متأسفانه در همین دوره بود که بخش بزرگی از منابع انسانی و اقتصادی توسعه آفرین ما یا پایان یافت یا از چرخه های خلق ارزش حذف شد.

و اکنون ما فرصت و امکانات چندانی برای آنکه دوباره دست به آزمودن های جدیدی بزنیم نداریم، به همین علت باید بکوشیم تجربه های شکست خورده گذشته را به خوبی و نیکویی

تحلیل و آسیب‌شناسی کنیم. به گمان من، یکی از علل آنکه ملت ایران بارها و بارها دست به تجربه‌های جدید می‌زند آن است که تجربه‌های گذشته مکتوب نمی‌شود تا از این طریق به ذهن و زبان نسل‌های بعدی وارد شود و از طریق شکل‌دهی به الگوهای فرهنگی از تکرار آنها جلوگیری شود. برای مثال، در حالی که کشور ایران یکی از کشورهای زلزله‌خیز است، هیچ یک از مدیران دوران زلزله‌های گذشته تجربه‌های خویش در مدیریت زلزله را مکتوب نکرده است. من در سفری که پس از زلزله بم به استان کرمان داشتم از استاندار کرمان پرسیدم که آیا هیچ کتاب، گزارش یا دفترچه راهنمایی برای مدیریت زلزله در دسترس شما قرار گرفته است. پاسخ منفی بود. به او و معاونانش توصیه کردم که حتماً وقت معینی بگذارند و تجربه مدیریت زلزله بم را بنگارند و تحلیل کنند تا برای مدیران آینده قابل استفاده باشد. سال‌ها بعد از یکی از آنان پرسیدم که آیا ثبت آن تجربه شروع شده است؟ پاسخ باز هم منفی بود.

من امیدوارم خود آقای احمدی‌نژاد دست به کالبدشکافی دوره مدیریتش بزند، همچنان که امیدوارم یاران نزدیک او نیز چنین کنند و امیدوارم که حامیان او نیز تجربه خود را بنگارند و اشتباهات خود را در این تجربه برای آیندگان ثبت کنند. اما بی‌گمان وظیفه اصلی بر دوش روشنفکران، اقتصاددانان و عالمان علوم اجتماعی و انسانی این دیار است که دست به کالبدشکافی گسترده این تجربه بزنند تا شاید نسل‌های آینده از تکرار خطاهایی که ما بدان مرتکب شدیم پرهیز کنند.

تلاشی که دکتر علی سرزعی در نوشتن و تحلیل این تجربه از منظر اقتصاد سیاسی، جامعه‌شناسی اقتصادی و روان‌شناسی اجتماعی کرده شایسته تقدیر است. ممکن است من با برخی از تحلیل‌های این کتاب موافق نباشم، اما نمی‌توانم خرسندی خود را از اینکه او با صبوری تمام و گذاشتن فرصت کافی برای جمع‌آوری اطلاعاتی گسترده تحولات دوران احمدی‌نژاد را قدم‌به‌قدم تحلیل کرده است پنهان کنم. تحلیلی که در بیشتر موارد آنها را منصفانه و به دور از حب و بغض یافته‌ام. طبیعی است که هر نویسنده‌ای تحلیل علمی خود را از منظری که از خلال آن به مسائل می‌نگرد و با پیش‌فرض‌ها و مفروضاتی که به آنها معتقد است بنگارد. بنابراین ممکن است برخی از خوانندگان این کتاب با مفروضات تحلیل نویسنده موافق نباشند. اما هیچ تحلیلی نمی‌تواند از خلأ آغاز کند، و همه اندیشمندان نخستین گام‌های تحلیلی خود را بر مفروضات اولیه‌ای بنا می‌کنند که ممکن است مورد قبول دیگران نباشد.

در هر صورت، این کتاب یکی از نادر نوشته‌های منتشرشده‌ای است که تحلیل دوران حکمرانی یکی از مقامات سیاسی ارشد را به تفصیل و با جزئیات و از دید ناظری بیرونی انجام داده است. ممکن است به علت اینکه تخصص اصلی نویسنده کتاب اقتصاد بوده است، برخی از ضعف‌های

تحلیلی در حوزه‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی قابل مشاهده باشد، اما گستردگی تحلیل و توجه به زوایای مختلف این دوران آن قدر هست که تحسین خواننده را برانگیزد. بی‌گمان هر خواننده‌ای، خواه دانش‌آموخته دانشگاهی و خواه خواننده عادی، این کتاب را می‌فهمد و از آن بهره‌های فراوان می‌برد. این کتاب بصیرت‌های فراوانی برای همه گروه‌هایی که به تحولات دوران معاصر ایران علاقه‌مند هستند در خود جای داده است. آنچه این کتاب را خواندنی و جذاب می‌کند جابه‌جایی مکرر تحلیل‌گر از سطوح خرد و حتی فردی با بیان جزئیات ریز تا سطوح بسیارکلان و ملی است. به همین علت، خواننده در هیچ مرحله‌ای از خواندن کتاب خسته نمی‌شود.

طبیعی است که تدوین چنین کتابی با چنین حوزه گسترده‌ای از تحلیل، که مسائل مختلف اقتصادی، سیاست خارجی، اجتماعی، فرهنگی، تبلیغاتی و انتخاباتی را در خود جای داده است، مستلزم همکاری گروهی از صاحب‌نظران و محققان حوزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی باشد. اما تجربه نشان داده است که معمولاً در میان عالمان این دیار توانایی همکاری جمعی بسیار پایین است و چنین همکاری‌هایی عموماً به شکست می‌انجامد، و به همین علت می‌توان به سرزعمیم حق داد که یک‌تنه وارد همه این حوزه‌ها شود و دست به تحلیل بزند.

در پایان سخمن نمی‌توانم این نکته را پنهان کنم که معتقدم هیچ‌کدام از شخصیت‌های سیاسی کشور را - خواه دوست‌شان داشته باشیم، خواه نه - اگر امیدی هست که در آینده به عنوان یک سرمایه‌نمادین نقش مثبتی ایفا کنند، نباید تخریب کنیم. من همواره به دوستانی که با من در مخالفت با آقای احمدی‌نژاد هم‌نوا بوده‌اند معترض بوده‌ام که نقد نباید به تخریب آمیخته شود. نقد دوران احمدی‌نژاد یکی از ضرورت‌های حوزه اقتصاد سیاسی این دیار است، اما همان‌گونه که تخریب هر یک از بناهای تاریخی، خواه دوست‌شان داشته باشیم خواه نه، به زیان منافع ملی است، تخریب شخصیت‌هایی سیاسی که ممکن است با آنها موافق نباشیم یا دوست‌شان نداشته باشیم نیز به منزله آسیب زدن به منافع ملی است. بنابراین اگرچه من در کتاب تخریب عمده‌ای ندیده‌ام، ولی توصیه من به نویسنده ارجمند کتاب این بود که پیش از چاپ بار دیگر کتاب را بازخوانی کند و در هر جمله‌ای که گمان می‌برد متضمن تخریب شخصیتی افراد مورد تحلیل است بازنگری کند. امید که دیگران نیز دست به کار شوند و «جمهوری عصر محمودی» را تحلیل کنند و راه‌های عقلانی عبور دادن ساختار نظام سیاسی اجتماعی موجود به سمت مسیر توسعه را برای آیندگان بنمایانند. چنین باد.

محسن رنانی

دانشگاه اصفهان - بهمن ۱۳۹۵

فهرست

۱ پیش‌گفتار

فصل یکم: چارچوب نظری

۷ پرسش‌های پژوهش

۸ چرا چارچوب نظری؟

۹ مفهوم عوام‌گرایی (پوپولیسم)

۹ عوام‌گرایی (پوپولیسم) در سیاست

۱۳ عوام‌گرایی (پوپولیسم) در مدیریت

۱۸ عوام‌گرایی (پوپولیسم) در اقتصاد

۲۰ بیماری هلندی، اثر آزمندی و شومی منابع

۲۲ دولت رانته

۲۶ منابع

فصل دوم: پیش به سوی سیاست

۲۷ درآمد

۳۰ احمدی‌نژاد و امام خمینی (ره)

۳۳ احمدی‌نژاد و دوم خرداد

۳۵ رقابت دو نظریه

۳۷ فرزند انقلاب

۴۱ ورود به عرصه سیاست

۴۶ فتح شورای شهر

۴۷	-----	آزمون مدیریت شهری
۴۹	-----	زمزمه عوام‌گرایی در مدیریت شهری
۵۱	-----	خیز به سمت ریاست‌جمهوری
۵۲	-----	جاذبه افسونگر دولت نزد ایرانیان
۵۴	-----	انگیزه‌های فردی برای حضور در قدرت
۵۵	-----	نحوه حضور در انتخابات
۵۸	-----	پی‌نوشت‌ها

فصل سوم: تبلیغات سیاسی در انتخابات ۱۳۸۴

۶۵	-----	درآمد
۶۶	-----	مبانی
۶۷	-----	تحلیل راهبردهای تبلیغاتی نامزدها
۷۰	-----	قدرت متقاعدسازی پیام‌ها
۷۳	-----	تبلیغات و فرهنگ سیاسی مردم
۷۵	-----	مدیریت تبلیغات
۸۱	-----	ارزیابی فیلم‌های تبلیغی
۸۲	-----	تاکتیک‌های تبلیغاتی احمدی‌نژاد
۸۵	-----	منابع

فصل چهارم: سبک حکمرانی و مدیریت نهاد دولت

۸۷	-----	زلزله تغییرات مدیران
۹۰	-----	نبرد با بوروکراسی
۹۳	-----	بی‌مهری به نظام کارشناسی و انحلال سازمان برنامه
۹۵	-----	تمرکز تصمیم‌گیری
۹۶	-----	سفرهای استانی
۱۰۱	-----	انتصاب‌های رفاقتی
۱۰۴	-----	تلاش برای متمایز شدن
۱۰۴	-----	بی‌ثباتی در نهادها و سیاست‌ها
۱۰۷	-----	تضعیف وجدان کار و اخلاق حرفه‌ای
۱۱۱	-----	پی‌نوشت‌ها

فصل پنجم: سیاست‌های اقتصادی در دوره نخست ریاست جمهوری

۱۲۵	سیاست‌های اقتصادی عوام‌گرایانه
۱۲۵	بی‌حرمتی به علم اقتصاد
۱۲۸	گردباد درآمد نفت
۱۳۲	سودای پیشرفت سریع و عادلانه
۱۳۵	استقبال از بیماری هلندی
۱۳۶	ظهور پیامدهای بیماری هلندی
۱۳۹	اراده‌گرایی در اقتصاد
۱۴۱	بدهمی پدیده تورم
۱۴۳	تصور خام از نقش اقتصادی یارانه برای تحقق عدالت اجتماعی
۱۴۶	نرخ بهره عرصه‌ای دیگر برای بروز اراده‌گرایی
۱۴۸	مداخله در بانک‌ها
۱۴۹	بنگاه‌های زودبازده
۱۵۱	خصوصی‌سازی
۱۵۲	سهام عدالت
۱۵۳	دیگر مصادیق عوام‌گرایی در عرصه اقتصاد
۱۵۵	سهیم‌بندی بنزین با توزیع کارت سوخت
۱۵۷	عملکرد اقتصادی دوره نخست
۱۵۹	پی‌نوشت‌ها

فصل ششم: سیاست خارجی در دوره نخست ریاست جمهوری

۱۷۹	جهان‌بینی احمدی‌نژاد
۱۸۰	اخبارهای صدور انقلاب
۱۸۱	نگرش انقلابی به وزارت امور خارجه
۱۸۲	پرونده اتمی
۱۸۳	شخصی شدن سیاست خارجی
۱۸۵	انکار هولوکاست
۱۸۹	جمع‌بندی
۱۹۰	پی‌نوشت‌ها

فصل هفتم: سیاست داخلی در دوره نخست ریاست جمهوری

۲۰۹	-----	اخراج اصلاح طلبان و یکپارچگی قدرت
۲۱۱	-----	احمدی نژاد و گروه‌های مرجع
۲۱۳	-----	احمدی نژاد و اصول‌گرایان
۲۱۵	-----	احمدی نژاد و توده‌های حامی
۲۲۰	-----	پی‌نوشت‌ها

فصل هشتم: تبلیغات انتخاباتی در انتخابات ۱۳۸۸

۲۲۷	-----	تحلیل مناظره رضایی و احمدی نژاد
۲۳۷	-----	تحلیل مناظره موسوی و احمدی نژاد
۲۴۴	-----	تحلیل مناظره کروبی و احمدی نژاد
۲۵۰	-----	جمع‌بندی

فصل نهم: تحلیل اعتراض‌های ۱۳۸۸

۲۵۱	-----	درآمد
۲۵۱	-----	تحلیل‌های رایج از اعتراض‌های ۱۳۸۸
۲۵۲	-----	مقایسه نظام‌های اکثریتی و تناسبی
۲۵۴	-----	تحلیل اعتراض‌های ۱۳۸۸

فصل دهم: سیاست‌های داخلی در دوره دوم ریاست جمهوری

۲۵۹	-----	درآمد
۲۶۰	-----	سیاست خارجی
۲۶۲	-----	سیاست داخلی
۲۶۲	-----	اعتراض‌های ۱۳۸۸ و رابطه اصول‌گرایان با احمدی نژاد
۲۶۴	-----	تبلیغات اصول‌گرایان علیه احمدی نژاد

فصل یازدهم: سیاست‌های اقتصادی در دوره دوم ریاست جمهوری

۲۶۷	-----	درآمد
۲۶۸	-----	ایده هدفمند کردن یارانه‌ها

۲۷۱	-----	اجرای سیاست نقدی کردن یارانه‌ها
۲۷۴	-----	عملکرد طرح هدفمندی (نقدی کردن) یارانه‌ها
۲۷۶	-----	مسکن مهر
۲۸۳	-----	تحریم و واکنش نظام سیاستگذاری
۲۸۴	-----	اثر تحریم بر اقتصاد و صنعت
۲۸۵	-----	رشد اندازه دولت
۲۸۸	-----	عملکرد اقتصادی در دوره دوم ریاست جمهوری
۲۹۲	-----	پی‌نوشت‌ها

فصل دوازدهم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۳۰۳	-----	میراث احمدی‌نژاد برای اقتصاد ایران
۳۰۷	-----	خدمات احمدی‌نژاد
۳۰۸	-----	آسیب‌ها و زیان‌های احمدی‌نژاد
۳۱۳	-----	درس‌های پدیده احمدی‌نژاد برای حاکمیت
۳۱۵	-----	درس‌های پدیده احمدی‌نژاد برای اصلاح‌طلبان و روشنفکران
۳۱۷	-----	درس‌های پدیده احمدی‌نژاد برای اصول‌گرایان
۳۱۸	-----	درس‌های پدیده احمدی‌نژاد برای توده مردم
۳۲۱	-----	سخنی با خوانندگان کتاب
۳۲۲	-----	دستورکاری برای آینده
۳۲۳	-----	هشدار نسبت به برداشتی اشتباه
۳۲۳	-----	خطر احمدی‌نژاد یا احمدی‌نژادیسیم
۳۲۷	-----	پیوست یکم: عوام‌گرایی (پوپولیسم) در امریکا
۳۲۹	-----	حزب مردم
۳۳۰	-----	هیو لانگ
۳۳۱	-----	جرج والاس
۳۳۱	-----	راس پروت
۳۳۲	-----	دونالد ترامپ